

مجموعہ مقالات مولانا پروہی

(دفتر سوم)

# مولانا و دین

زیر نظر

غلامرضا اعوانی



## فهرست مقالات

۱	..... مهدی ابراهیمی	روش‌شناسی دینی مولوی در داستان‌ها و...
۲۱	..... نجف جوکار	ریشه اختلافات دینی و پیامدهای آن در...
۴۵	..... کاووس حسن‌لی	«مرگ حیات است و حیات است مرگ»
۶۱	..... لاله حقیقت	ایمان از دیدگاه مولانا
۸۵	..... احمد خاتمی	حدیث احادیث مثنوی
۱۰۱	..... سعید رحیمیان	تفکر، شیوه و اقسام آن در سلوک مولانا
۱۲۵	..... زهرا ریاحی زمین	آفرینش در مثنوی معنوی
۱۴۹	..... علی محمد ساجدی	معناشناسی دین از دیدگاه مولانا
۱۷۵	..... سید علی محمد سجّادی	جلال‌الدین محمد و جمال دین محمد (ص)
۱۹۷	..... علی اصغر سیفی	کلمة الله در آغاز نی نامه مثنوی معنوی
۲۲۹	..... محمد باقر عباسی	مولانا و دلایل جاودانگی
۲۴۹	..... حسن لاهوتی	دین عاقل، کیش عاشق
۲۶۷	..... محمد یوسف نیری	مولا (ع) و مولانا
۲۸۹	..... زرین تاج واردی	پرداخت هنری دین در مثنوی

## بسمه تعالی

بحث درباره دین امروزه از مسائل بسیار مطرح در دنیای امروز است و نه تنها کتابها و مقالات بسیار زیادی درباره این موضوع از دیدگاههای مختلف نگاشته می شود، بلکه عالمان و محققان بی شماری در سراسر دنیا به تحقیق و تدقیق درباره آن اشتغال دارند. با وجود این مسأله دین از دیدگاه عرفان ناب و با توجه به باطن و حقیقت دین و از منظر منطق ذاتی و درونی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پیداست که گفتار عارفان در این خصوص از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما عارفانی هم که در این باره سخن گفته‌اند همه یکسان نیستند. گاهی سخن بعضی از آنان با آراء کلامی خاصه کلام اشعری یا معتزلی درآمیخته است اما سخن مولانا عرفان ناب و بی پیرایه است و برخلاف آنچه بعضی گمان می‌کنند آمیخته با کلام اشعری نیست. عرفان، در یک تعریف دقیق معرفتی است که بر اثر سلوک اطوار ولایت الهیه حاصل می‌شود و اطلاق این لفظ بر کسی که از مدارج اعلائی ولایت بهره‌ای ندارد خطاست. مولانا جلال الدین از زمره کسانی است که می‌گوید حقیقت را می‌توان در ادیان دیگر نیز جست و جو کرد.

این حقیقت دان نه حق‌اند این همه

نی به باطل گمرهان اند این همه

زانکه بی حق باطلی ناید پدید

قلب را ابله به بوی زر خرید

گر نبودی در جهان نقد روان  
 قلبها را خرج کردن کی توان  
 پس مگو کاین جمله دینها باطل اند  
 باطلان بر بوی حق دام دل اند  
 پس مگو جمله خیال است و ضلال  
 بی حقیقت نیست در عالم خیال  
 آن که گوید جمله حق است احمقی است  
 و آن که گوید جمله باطل آن شقی است  
 پس محک می بایدش بگریده ای  
 در حقایق امتحانها دیده ای  
 به نظر مولوی اکثر مردم در کار دین مقلدانند، مانند میراث خوارانی اند  
 که ارث پدر را مفت به چنگ آورده اند، ارج آن را نمی نهند و قدر آن را  
 نمی دانند و شکر نعمت به جای نمی آورند.  
 سر ز شکر دین از آن بر تافتی  
 کز پدر میراث مفتش یافتی  
 مرد میراثی چه داند قدر مال  
 رستمی جان کند و مرجان یافت زال  
 در اشعار مولوی تفسیر بیش از دو هزار آیه قرآنی و تعداد زیادی  
 حدیث نبوی به چشم می خورد و کمتر مسئله ای است مسائل مهم درباره  
 حقیقت دین که در کتاب شریف مثنوی مورد بحث قرار نگرفته باشد که  
 نمونه ای از آنها را در این مجموعه مقالات می توان یافت.

غلامرضا اعوانی

دبیر علمی همایش

# روش‌شناسی دینی مولوی در داستانها

## و تمثیل‌های قرآنی مثنوی

مهدی ابراهیمی

### مقدمه

از امتیازات مهم مولوی خصوصاً در کتاب شریف مثنوی رابطه او با قرآن است که به شکل‌های مختلف در مثنوی به چشم می‌خورد. رابطه مثنوی با قرآن بسیار گسترده و پیچیده است. از نظر کمی حدود دو هزار مورد استناد به قرآن به صورت مستقیم در مثنوی وجود دارد، که با حذف مکررات حدود ۶۵۰ آیه قرآن در مثنوی مورد استناد یا تفسیر و تأویل قرار گرفته است. گرچه این رقم را بعضی از مولوی‌شناسان با اندک اختلافی مطرح می‌کنند و از نظر کیفی در سبک ظاهری و نیز محتوای مطالب مثنوی به شدت تحت تأثیر قرآن قرار دارد و حتی بعضی در این زمینه اغراق کرده و آن را قرآن‌پارسی دانسته‌اند:

مثنوی معنوی مولوی هست قرآن در زبان پهلوی

در مثنوی کمتر مطلبی را می‌توان یافت که به نوعی به آیه‌ای از قرآن در آن اشاره نشده باشد، بنابراین از این جهت می‌توان مثنوی را یکی از متون شناخت قرآن به حساب آورد و اندیشه دینی مولوی به شدت تحت تأثیر قرآن قرار دارد. گرچه کتاب مثنوی در ردیف کتب کلاسیک تفسیری قرار نگرفته است. اما با دقت در کتاب مثنوی نمی‌توان جایگاه عظیم این کتاب را حتی در تفسیر قرآن انکار کرد. علاوه بر این مولوی

در نگاه خود به قرآن صاحب سبک و روش است، لذا می‌توان از کتاب مثنوی روش دینی تفسیری استخراج کرد. نگاه مولوی به متون دینی صرفاً عرفانی نیست و لذا استفاده او از قصه و تمثیل هم همیشه با تفسیر عرفانی همراه نیست. آنچه در این نوشتار به آن می‌پردازیم، تحلیل جایگاه قصه و تمثیل در روش اندیشه دینی مولوی است که با تکیه بر تفسیر آیات قرآنی صورت می‌گیرد و این روش مولوی دقیقاً برگرفته از سبک قرآن است که به گونه‌های مختلف با مخاطبین رابطه برقرار می‌کند و باعث می‌شود که مثنوی هم جنبه عمومی پیدا کند. به تعبیر دیگر مراتب مختلف در مثنوی لحاظ شده است. با توجه به آنچه گفته شد جهت تبیین مطلب مباحثی را مطرح می‌کنیم:

#### ۱- داستان سرایی در مثنوی:

از امتیازات مهم کتاب مثنوی جریان قصه‌سرایی در سراسر مثنوی است. که گویا این کتاب مهم را بدون اینکه از ارزش و اعتبار آن کاسته شود به کتاب داستان تبدیل کرده است. شیوه قصه‌سرایی مولوی برخاسته از شیوه وعظ و خطابه و منبر اوست. در مثنوی هیچ‌گاه قصه به عنوان سرگرمی و رفع ملال خاطر و یا وسیله تخدیر و خواب رفتن مستمع نیست. آن چنان که برای کودکان قصه می‌گویند. قصه در ذات خود حقایقی دارد که می‌تواند ناتوانی استدلال را در تحریر حقائق جبران کند و ذهن مخاطب را به جولان بکشاند. مولانا با قصه می‌خواهد حالت تردید را در صحت مدعای خویش از مخاطب بزدايد. و سخن خود را قابل رؤیت کند. در حقیقت قصه‌های مثنوی گزارش سیر و سلوک عارفانه است که به زبان تمثیل و تجسم بیان می‌شود. اکثر قصه‌های مثنوی زاده وهم و خیال او برای تقریر مطالب نیست. او با تسلطی که بر آثاری همچون کلیله و دمنه، مرزبان نامه، سندباد نامه، آثار مکتوب داستانی و دیوانهای شعری دارد از قصه‌های منقول در آنها مدد می‌گیرد.<sup>۱</sup> حتی مولوی گاه از قصص موجود در زبان عامیانه هم بهره می‌گیرد. مهمتر از همه این‌ها بهره‌مندی مولوی از قصص قرآنی و حدیثی است. او در بسیاری از موارد به استناد قرآن و حدیث به نقل قصه می‌پردازد.

۱. مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، بدیع‌الزمان فروزانفر.